

برای نجات جان سپیده قلیان ، اسماعیل بخشی و علی نجاتی و پشتیبانی از کیفر خواست آنان ؛ در خارج از کشور چه می توان کرد؟



امیر جواهری لنگرودی

info@karegari.com

این فریاد ها را به خاطر بسپاریم :شکنجه و مستند ؛ دیگر اثر ندارد / توپ و تانگ و مستند ؛ دیگر اثر ندارد .

سناریوسازی ها و مستند پردازی های پیشین شکنجه گران و امنیتی های رژیم، همگی در راستای زمینه چینی برای سرکوب گسترده تر بوده است. هدف از پخش «مستند» جدید هم غیر از این نیست. بنابراین حالا که از شوک نامه اعتراضی اسماعیل بخشی به شکنجه و فراخواندن بلند پایه ترین مقام امنیتی کشور، وزیر اطلاعات به مناظره و بازتاب های گسترده آن بیرون آمده اند، ضد حمله را با ترور شخصیت و پرونده سازی های کثیف ، علیه سپیده قلیان - اسماعیل بخشی و علی نجاتی کلید زده اند .

هدف های این «مستند» روشن است:

خاموش کردن صدای اعتراضات شجاعانه و شورانگیز درون زندان ها و کف خیابان ها و خانه های زندانیان شکنجه شده سراسر ایران ، علیه شکنجه و علیه نظام شکنجه و سرکوب از کانون توجه کارگران و افکار عمومی و جلوگیری از ادامه همسویی بخش های مختلف جنبش مطالباتی، بویژه معلمان، بازنشستگان ، کارگران و دانشجویان علیه شکل های خصوصی سازی در چندین عرصه ؛ کارخانه، مدرسه و دانشگاه و محیط زیست عمومی!

یک چیز روشن است و آن اینکه ؛ توجیه اعمال و برخوردهای حذفی تاکنونی کل حاکمیت نسبت به مطالبات کارگران و بازداشت ها و شکنجه های صورت گرفته و مجبور کردن زندانی به "اعتراف" مورد نظر بازجو در مقابل دوربین و سپس تهدید زندانی به پخش عمومی آن در صورت سرپیچی از در خواست های عوامل امنیتی، یکی از اهداف این اعتراف گیری ها بوده است. دقیقاً نادیده گرفتن این تهدیدها، توسط اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و بعد تر ایستادگی علی نجاتی در برابر غل و زنجیر و راه افتادن دهها کمپین در دفاع از کیفر خواست اسماعیل بخشی در به مناظره کشیدن بلند پایه ترین مقام امنیتی کشور ، افشاگری های شجاعانه آنان مبنی بر شکنجه شدنشان، این طراحی جنایت کارانه را دود کرد و به هوا فرستاد. کل حاکمیت که ابتداء به دست و پا افتاده بودند . بعد از چندی به خود آمدند و تعرض را شروع کردند.

همه این جماعت و قوای از ما بهترشان، خود خوب می دانستند که کارگران و مردمان جامعه ما حرف های اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را باور دارند و نه ادعای دم و دستگاه های رژیم مفتضح را. به اسماعیل بخشی و سپیده قلیان اطلاع دادند: "اگر شکایت را پس نگیرید، فیلم اعتراف را در برنامه بیست و سی پخش می کنیم". اما اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به رغم همه تهدیدها و فشارها بر سر حرف خود ایستادند و تاکید کردند که شکنجه شده اند. به این گونه تهدید عملی شد و "مستند" از همان کانال تلویزیونی پخش گردید.

این مستند کذابی به مانند دهها مستندی که نظام ضد آدم و ضد کارگر و ضد انسان در صدا و سیمای خویش، بیشتر به عنوان " برنامه هویت " و متن های مشابه در دل شماری مصاحبه های تحمیلی و با قصد حذف فیزیکی مصاحبه شوندگان فراهم آورده است. جدا از آنچه که آوردم، در این دوره این نمایش، هدف روشنی را دنبال می کند. جدایی درون طبقه و شکستن صفوف متحد آنان!

به زعم مستند سازان زیون، سفر اسماعیل بخشی به تهران و دیدار با رضا شهابی جرم است. دو کارگر، دو عضو سندیکا و دو شکنجه شده اگر همدیگر را ببینند و حول مثدق جنبش سندیکایی و کارگری با هم مشورت و همفکری نمایند، جرم است و قابلیت مستند سازی دارد. اما صد ها اختلاس چی و چپاولگر اموال عمومی می توانند همدیگر را ببینند و در بغل بفشردند و کباب بخورند و منقل چاق کنند و راحت بگردند و سور چرانی کنند. درست در همین رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با قاطعیت می نویسند:

« به مقامات دولتی، قضایی و امنیتی می گویم که به جای پرونده سازی، پاپوش دوزی، تولید این نمایش های ناشیانه که " نمایانگر استیصال مسئولان کشور در مواجهه با مشکلات جامعه " است و اذیت و آزار کارگران و نمایندگان کارگری و فعالین سندیکایی بروید جلوی سرقت اموال عمومی و اختلاس های نجومی و دزدی های کلان را بگیرید. تشکل مستقل و اعتراض حق مسلم و شناخته شده بین المللی کارگران از جمله در ایران است و ما به عنوان یک تشکل مستقل کارگری و همچنین عضو رسمی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل تداوم اذیت و آزار و پرونده سازی علیه اعضای خود و دیگر کارگران عدالت طلب را به گوش کلیه کارگران جهانی خواهیم رسانید.» (۱)

درست در چنین شرایطی، امنیتی کردن مطالبات صنفی و مرتبط کردن آن با «توطئه» های شخصیت ها و احزاب و قدرت های بیگانه و خارجی و در راس آنها ایالات متحده آمریکا و شخص ترامپ، با هدف سرکوب تمامی مطالبات و خواسته های واقعی و مطرح مطالبه گران در کف خیابان اعم از: زنان در سطوح مختلف - کارگران - معلمان - بازنشستگان - دانشجویان و استادان دانشگاهها - کانونیان - فعالان محیط زیستی - مال باختگان - فعالان عرصه مسائل ملی و مذهبی و... سرکوب کنشگران جنبش های مطالباتی به عنوان گام مهم و حلقه ای اساسی در پراکندن جنبش های مطالباتی و بویژه مقابله با پیوند جنبش های مبارزه برای نان، کار و آزادی، در چله نشینی انقلاب بهمین، معنی می یابد.

انان یعنی کل مقامات و دم و دستگاه های مختلف رژیم از مجلس گرفته تا دولت و تا قوه قضائیه و خیرگزاری های رسمی اش تسنیم - فارس - ایرنا و ایلنا در رودروی با کیفر خواست (اسماعیل بخشی و سپیده قلیان)، شکنجه شدن اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را منکر شدند. حتی خبرگزاری فارس، خبرگزاری امنیتی نزدیک به سپاه پاسداران، خبر بازداشت اسماعیل بخشی را تایید کرد و مدعی شد او قصد فرار به خارج از کشور را داشته است. این خبرگزاری در دروغ آشکار خود نوشت: « به گزارش گروه سیاسی خبرگزاری فارس، اسماعیل بخشی از عناصر مرتبط با گروهک های برانداز که به دروغ مدعی شده بود مورد شکنجه قرار گرفته است، قبل از وصل شدن به تیم خروج از کشور، دستگیر شد. اسماعیل بخشی از عناصر مرتبط با گروهک برانداز که قصد به انحراف کشاندن اعتراضات کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه را داشت و به دروغ مدعی شده بود مورد شکنجه قرار گرفته است، قبل از وصل شدن به تیم خروج از کشور، دقایقی پیش دستگیر شد.» و در ادامه می نویسد: « بخشی که با طراحی صورت گرفته از صبح متواری شده بود و مقرر بود با برنامه ریزی صورت گرفته از کشور خارج و پروژه شکنجه سازی علیه نظام را در خارج از کشور اجرایی و ادامه دهد با اشراف موثر نیروهای امنیتی دستگیر شد.» (۲) این در حالیست که سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه خبر داده است: " اسماعیل بخشی در خانه ی خود و با گسیل پانزده ماشین پاترول و تعداد زیادی نیروی مسلح دستگیر شده است"

" تلاش مستند سازان در نهادهای امنیتی و صدا و سیمای ولایت برای وصل کردن مبارزات دلیرانه کارگران و زحمتکشان کشور به افراد و جریانات خارج از کشور، تلاش مذبحخانه ای است که از ناتوانی شان در پاسخ گویی به خواست های واقعی و جدی این کارد به استخوان رسیده ها ناشی می شود. امروز چه کسی ایست که نداند: جنبش متحول مدافع (نان- کار- آزادی)، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی که از چهار گوشه کشور جوانه می زند یا زبانه می کشد، آنچنان قدرتمند، آگاه و دقیق هست که نیازی به کمک ها و رهنمودهای افرادی که از نزدیک در جریان اوضاع نیستند، ندارند. آنها نیک می دانند که چنین تماس هایی (از هر طرف که باشند) می توانند فرصت و بهانه ای برای پرونده سازی های رذیلاانه دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی فراهم آورند و زندگی و مبارزات شجاعانه فعالان (صنفی و سیاسی) داخل کشور را به مخاطره بیندازند." کاملاً پیداست که این هدف ها محکوم به شکست است و خود یک «طراحی سوخته» حاکمیتی است که پایه هایش بر جعل و دروغ استوار است.

چه باید کرد یا چه می توان کرد؟

جنبش ما در خارج از مرزها ، در این لحظه به یک صدای رساتر از گذشته نیاز دارد! آنچه امروز اهمیت دارد این است که: در سطح بین المللی این شناخت را به محوری برای گسترش همسویی در اعتراض به سناریوسازی های امنیتی، ترور شخصیت کنشگران و اعترافات اجباری تبدیل کرده، پیگیرتر از پیش ، آنرا به اهرمی برای مطالبه توأمان نان - کار - آزادی در مقابل اپوزیسیون بورژوازی تاکید کنیم.

همه ما می دانیم ، حاکمیت اسلامی در ایران علیه فعالان و کنشگران جنبش کارگری و سوسیالیستی شمشیر را از رو بسته است، زیرا از گسترش جنبش مطالباتی اردوی بزرگ دهها میلیونی کار و زحمت به وحشت افتاده است. ما باید پرونده های متعدد شکنجه همه آنانی که دیروز و امروز از کیفرخواست اسماعیل بخشی دفاع کرده و مدعی اند که من و ما هم شکنجه شده ایم ؛ فریاد بر آوریم ، ما دادخواه همه آنانیم و همه پرونده ها می بایست به صورت کامل مورد بررسی قرار گیرد.

اکنون دفاع و حمایت جهانی از کیفرخواست اسماعیل بخشی به همبستگی عمومی ترمان در برابر شکنجه و شکنجه کنندگان ، با تلاش برای حفظ جان و آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجانی و بیشمار زندانیان سیاسی در ایران گره خورده است . بنابراین این تلاش نیازمند آن است که از اقدام های حمایتی تا کنونی فراتر برویم: و بدل به یک صدای مشترک و یک اقدام مشترک جهانی گردیم.

باید درب اتحادیه ها و مجامع کارگری و احزاب و سازمان های جوامع میزبان را با تمام نیرو به صدا در آوریم . برانگیختن همبستگی بین المللی ؛ در دفاع از کارگران زندانی و شکنجه شده ، امروز عاجل ترین وظیفه پیشروی ما است .

باید شاهد آن باشیم که با یک اقدام مشترک همه گروه بندی های مدافع جنبش کارگری و مطالباتی اعم از نهاد های کارگری و نهادهای دمکراتیک با حمایت سازمان ها و احزاب مترقی و چپ ؛ خواست رهایی از شکنجه و قتل، و خواست آزادی فوری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را با صدای رسا به مردم ایران و افکار عمومی جهانی بازتاب دهیم. خواست ما از تمامی نهادهای مدافع حقوق کارگران و تمامی فعالان سیاسی و مدنی و تمامی احزاب ، سازمان های جانبدار آزادی های بی قید و شرط سیاسی باید این باشد : صدای حق طلبی فعالان کارگری و مدنی دستگیر شده باشند و اجازه ندهیم شکنجه گران بی رحم رژیم اسلامی، این فرزندان برومند مردم کارد به استخوان رسیده را در شکنجه گاه های قرون وسطائی شان همچنان به زنجیر کشانند!

آنها می خواهند ما، به تکرار نام فعالان کارگری و زندانیان سیاسی برنیاییم . اما شاهد این هستیم که در تظاهرات مطالباتی روز سه شنبه دوم بهمن ، در مقابل وزارت کار و در تجمع بزرگ بازنشسته گان به دفاعات و از جانب مادران و پدران بازنشسته مان در کف خیابان رو به افکار عمومی جامعه ما و جهان و کل بساط دیو منش حاکمیت سیاه داغ و درفش و شکنجه این شعار جا گرفت : «شکنجه، مستند دیگر اثر ندارد». توپ و تانک - مستند / دیگر اثر ندارد

پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۷ برابر با ۲۴ ژانویه ۲۰۱۹

منبع :

(۱)- کانال تلگرامی سندیکا : (نمایش "طراحی سوخته" بهانه ای برای سرکوب مطالبات و اعتراضات کارگران)

لینک کانال

t.me/vahedsyndica

(۲) - (خبرگزاری فارس، اسماعیل بخشی دستگیر شد ، ۱ بهمن ۱۳۹۷)

<https://www.farsnews.com/news/13971028000703>